



رئیس‌جمهور: توطئه دشمن برای مسموم کردن دانش‌آموزان جنایت ضدبشری است

عکس: محمد بنیاد/آژانس آنلان

تیتراهای امروز

تشریح جزئیات عفو گسترده محکومان و متهمان حوادث اخیر از سوی رئیس قوه قضائیه

حکمت و رحمت بخشش



طرح یکن برای میانجی‌گری در بحران اوکراین اولین حضور چین در نقش یک قدرت بین‌المللی

چینی صلح جهانی

برای مقدمه چینی چهارشنبه‌سوری تاکنون ۵ نفر قربانی و بیش از ۱۰ نفر مجروح و قطع عضو شده‌اند

میراث نحس

تظاهرات ۲۲۰ هزار صهیونیست علیه نتانیاهو

آنا‌رشی صهیونیستی

شاباک مسؤل حفظ جان همسر نتانیاهو شد

سراسیبی دکار

ایران سیزدهمین تولیدکننده بزرگ گندم جهان در سال ۲۰۲۲ شد

حال خوش خوشه

دلاز وارد کانال ۵۱ هزار تومان شد

نگاه

توهمات بی‌پایان مستاجر الیزه روزی روزگاری مکرون!

نوید مؤمن: اتحادیه‌های کارگری در فرانسه مشغول برنامه‌ریزی برای دور بی‌سابقه‌ای از اعتراضات و اعتصاب‌های عمومی علیه اصلاحات اقتصادی دولت مکرون (بویره بر سر افزایش سن بازنشستگی ۶۴ سال هستند از «بارن لوین» رهبر جبهه ملی تا «ژان ملانشون» رهبر جریان چپ افراطی در فرانسه جنگی بر این باورند توهمات مکرون در حوزه حکمرانی به پاسنه آشلی که رهبر پانامان اتحادیه اروپایی و سیاسی حاکم بر این کشور تبدیل شده است. در حالی که فرانسوی‌ها اصرار زیادی مبنی بر تعیین مدل حکمرانی و حدود و ثغور آن برای همه کشورهای دنیا دارند اما بسته‌های حداقلی تریسیم ساختار «دولت - ملت» را در کشورشان نمی‌دانند! امانوئل مکرون یکی از مصادیق حکمرانی بد در کشورش و جهان سیاست محسوب می‌شود؛ فردی که «تحمیل قواعد عمومی به جامعه» را نه به واسطه «قدرت اقناع گری» خود، بلکه به واسطه «توهم خودپرندپنداری» انجام می‌دهد! سال ۲۰۱۷ میلادی، زمانی که مکرون در انتخابات ریاست جمهوری فرانسه به پیروزی رسید، قصد داشت بر رهبر پانامان اتحادیه اروپایی و منطقه یورو تبدیل شود. یکی از دلایلی که مشوق مکرون در این مسیر بود، گذار شهروندان فرانسوی از ۲۰۱۷ ستنی (سوسیالیست و محافظه کار) و دیگری، شکست آلمان در پیشبرد طرح اصلاحات ریاضی در اروپا واحد بود. شکست سیاست‌های مبتنی بر ریاضت اقتصادی که از نسوی انگلا مرکل، صدراعظم سابق ژرمن‌ها بر منطقه یورو تحمیل شده بود و راه‌های سران اروپا در مواجهه با بحران اقتصادی سال ۲۰۰۹ میلادی - که تبعات سخت آن تا سال ۲۰۱۷ نیز ادامه داشت- زمینه لازم برای ظهور یک رهبر جدید در اروپا واحد را فراهم کرد. مکرون زمانی که در مسند ریاست جمهوری فرانسه حضور پیدا کرد، خود را نه حتی در کسوت سیاستمدارانی مانند ژاک شیراک و ژرژ دوگل بلکه در مسند ناپلئون بناپارت می‌دید او می‌خواست بدون دردسر اروپا را فتح کند و به رهبری تاریخ‌ساز در حوزه روابط بین‌الملل تبدیل شود. اما در همان دور نخست ریاست جمهوری، سفره بسته‌ای که مکرون به ناگهان آن را آشکود، فرانسوی‌ها و اروپایی‌ها را متوجه وزن واقعی مستاجر جدید کال‌الیزه کرد مکرون قدرت اقناع حداقلی در قبال طرح‌های پیشنهادی خود را از دست داد. ترکیبی از مولفه‌های «شد اقتصادی» و «ریاضت اقتصادی» در طرح‌های ارائه شده از نسوی او بیش از آنکه مرهون یک مهندسی اقتصادی دقیق باشد، منبعث از تلفیق نامتوازن مولفه‌ها در ذهن ایدپرداز آن (مکرون) بود. ادامه در صفحه ۶

گزارش «وطن امروز» از اظهارات ضدونقیض رهبران غرب درباره ضرورت پیروزی اوکراین در جنگ

کدام پیروزی؟ کدام جنگ؟

آنچه در پشت پرده در جلسات می‌گذشت، تناقضات زیادی با هم داشت. دولت در این باره نوشت: مباحث مربوط به اوکراین، موضوع و محور اصلی اکثر جلسات در کنفرانس امنیتی مونیخ بود اما در این کنفرانس ۲ خط قرمز بسیار جدی از هم و دارای اختلاف زیاد وجود داشت که نشان می‌دهد غرب در ماجرای اوکراین چندان هم جبهه واحد و یکدستی نیست. اولین اختلافات در این باره، بین روایت‌های جامعه ۲ سوی دریای آتلانتیک و دیگر کشورهای حوزه‌ای بوده که از آن با عنوان کشورهای حوزه جنوب یاد می‌شود. دولت در این باره معتقد است این تفاوت در روایت جنگ و نوع نگاه به اهداف و منافع هر کشور در آن، از ابتدای امر وجود داشته و در رسانه‌ها نیز نقل شده و جای چندان تعجبی نداشت که برخی کشورها روایت غربی در این باره را باور نداشته باشند. اخیراً شورای روابط خارجی اروپا نیز گزارش جدیدی در این باره منتشر کرده و به این مساله پرداخته است. او معتقد است روایت غربی نتوانسته است که کشورهای جنوب را به حمایت از غرب ترغیب کند، زیرا این روایت‌ها دقیقاً تناقض رفتار و گفتار غربی‌ها در باره مسائل بین‌المللی را به رخ جهان می‌کشد. به عنوان نمونه، روایت غرب این است که از بعد از جنگ دوم جهانی، نظم بین‌المللی اجازه کشور گشایی به یک کشور را ندهد است و نباید اجازه داد دنیا به نظم قبل از جنگ دوم جهانی بازگردد. این در حالی است که سران غرب نمی‌توانند شهرکسازهای صهیونیست‌ها در اراضی اشغالی را با این منطق توضیح داده یا توجیه کنند. دولت در آنامه می‌نویسد: روسیه به این دلیل تحت شدیدترین تحریم‌های بین‌المللی قرار گرفت که قصد کشور گشایی و گرفتن سرزمین از کشور همسایه‌اش را داشت اما هیچ نهاد بین‌المللی و هیچ کشور غربی تاکنون اسرائیل را برای این کار تحریم نکرده است و اتفاقاً جلوی تحریم‌های مردمی و سازمان‌های مردم‌نهاد را نیز می‌گیرد. او اما در آنامه به اختلافات بین کشورهای غرب درباره اوکراین می‌پردازد و به صراحت می‌گوید: سران غرب آنطور که مقابل رسانه‌ها به پیروزی اوکراین در این جنگ امیدوارند، در جلسات پشت پرده به این حد خوش بین نیستند و بیشتر دچار بدبینی و اضطراب هستند. دولت در این باره می‌نویسد: «در کنفرانس امنیتی مونیخ صحبت‌های کاملاً هریس، آنتونی بلینکن و رهبران اروپایی بر پیروزی‌ای تأکید داشت که بزودی در اوکراین به دست می‌آید اما در جلسات غیررسمی همه می‌دانند این پیروزی بسیار دور بوده و رسیدن به آن بسیار سخت است. در عین حال هیچ یک از افرادی که من با آنها صحبت کردم اعتقاد نداشتند جنگ می‌تواند به این زودی‌ها تمام شده و مهم‌تر از آن، اوکراین نتواند تمام سرزمین‌های خود از جمله کریمه را از روسیه پس بگیرد و ارسال تجهیزات جنگی نیز نمی‌تواند به این موضوع کمک کند. در واقع فراخوان برای ارسال بیشتر سلاح به اوکراین (از جمله تانک‌ها، تجهیزات نظامی و سیستم‌های موشکی تاکتیکی و هواپیمای جنگنده) می‌تواند بازتاب‌دهنده این آگاهی در بین رهبران غرب

بویژه ۳ کشور اروپایی انگلستان، فرانسه و آلمان را به دورویی و نفاق متهم می‌کند و معتقد است اگر آنها استام‌های پیشرفته نظامی و اطلاعاتی در اختیارش می‌گذاشتند، نتیجه جنگ با سرعت بیشتری به نفع کی‌یف رقم می‌خورد. در تحلیلی که اخیراً ۲ تحلیلگر نظامی و روزنامه‌نگار اوکراینی در نشریه «کی‌یف پست» منتشر کرده‌اند، علناً انگشت اتهام را به سمت لندن، پاریس و برلین نشانده‌اند. این نویسندگان بیان کرده‌اند ۳ کشور اروپایی دسیسه دارند تا مانع رسیدن تجهیزات نوین نظامی از سوی آمریکا به اوکراین شوند و در عین حال در تعاملات دیپلماتیک خود به نفع روسیه عمل کرده و با پوتین ممانعت می‌کنند، زیرا همچنان به دنبال صلح و برقراری آتش‌بس هستند. این تحلیلگران، اقدام برخی سران اروپا برای در نظر گرفتن گزینه دیپلماتیک در مقابل اقدامات روسیه را اشتباهی مانند توافق مونیخ می‌دانند؛ توافق آتش‌بس و صلحی که سران اروپا با هیتلر و موسولینی کردند و در نهایت به جنگی بزرگ‌تر یعنی جنگ دوم جهانی ختم شد. آنها معتقدند سال ۱۹۳۸ و زمان توافق مونیخ، چکسلواکی و سودتنلند قربانی صلح کشورهای اروپایی انگلیس و فرانسه با آلمان شدند و حالا، اروپایی‌ها تلاش دارند برای منافع خودشان و ناتو هم که شده، دوباره توافق صلحی را بین خود تنظیم کنند که اوکراین را به ورطه نابودی می‌کشاند. این تحلیل‌های رادیکال و تند و متهم کردن اروپا به در نظر گرفتن منافع خودش در مقابل اوکراین، همه در واقع از القات و ادراکی ناشی می‌شود که دولت بایدن برای زلنسکی و دولتش به ارمغان آورده است. با وجود برنامه‌ها و تلاش‌های مختلف برای رسیدن به آتش‌بس و قربانی نشدن بیش از حد اوکراین در رویارویی روسیه و غرب، دولت بایدن این ادراک را برای زلنسکی به وجود آورد که غرب - بویژه آمریکا - تا پایان کار در کنار او خواهد ماند و اجازه پیروزی به مسکو را نمی‌دهند. با این‌حال از جنگ اوکراین یک سال گذشته و معلوم نیست انتباه‌های تسلیحاتی غرب تا چه زمانی ظرفیت حمایت از زلنسکی را داشته باشد. در عین حال مشکلات و تبعات اقتصادی جنگ نیز به مرور زمان، کشورها را از یکدیگر جدا و اختلافاتی را بین آنها ایجاد کرده است. اروپا معتقد است آمریکا در این جنگ نفع خود را می‌برد و به همین دلیل دیگر نیازها و مشکلات اقتصادی اروپا برایش اهمیت ندارد. بر همین اساس است که اجلاس امنیتی مونیخ و نشست گروه جی ۲۰ در یک ماه گذشته، عرصه دیدار شدن بیشتر اختلافات بین اروپا و آمریکا بود. ■ اختلافات میان رهبران غرب درباره نتیجه دامنه جنگ در اوکراین استون نویسن نشریه فارن پالیسی و از تحلیلگران برجسته حوزه روابط بین‌الملل در این باره مطلب جالبی در این نشریه دارد. او که برای نخستین بار در کنفرانس امنیتی مونیخ شرکت کرده بود، نوشته است صحبت‌های سران غرب در مقابل دوربین‌ها با

باشد که می‌دانند اوکراین در وضعیت بسیار بدتری نسبت به آنچه در رسانه‌ها گفته می‌شود قرار دارد. بسیاری از کسانی که من با آنها صحبت کردم، انتظار دارند بن‌بست سخت ادامه یابد و شاید در ماه‌های آینده منجر به آتش‌بس شود. در حقیقت، کمک غرب به اوکراین برای رسیدن این کشور به پیروزی نیست؛ هدف واقعی این است که کی‌یف را در موقعیتی قرار دهیم که وقتی زمامت رسید، معامله مطلوبی انجام دهد. ■ نجات اروپا و تهدید همزمان آن اگر هدف واقعی بایدن، رساندن اوکراین به درجه‌ای از مقاومت در برابر روسیه باشد که نتواند در مذاکرات صلح، امتیازات بیشتری از مسکو بگیرد، موضوع قابل توجه بعدی، نوع گفت‌وگو دولت بایدن و تفاوت آن با سخنرانی‌های مقامات اروپایی است. شاید سران اروپا واقعا به دنبال هدف اصلی رسیدن به آتش‌بس باشند اما به نظر می‌رسد دولت بایدن با در نقش خود بسیار بیشتر از حد انتظار فرورفته یا تلاش دارد در نهایت از اروپاییان نیز برای پایان دادن به جنگ امتیاز بگیرد. نوع رفتار و گفتار بایدن نشان می‌دهد آمریکا مشتاقانه منتظر ادامه جنگ تا زمان پیروزی کامل اوکراین بر روسیه است. او در این راه، نه تنها پول مالیات‌دهندگان آمریکایی و اروپایی را به سمت کارخانه‌های سلاح‌سازی آمریکایی هدایت می‌کند، بلکه در حال تهدید اروپا نیز هست. بدین معنی که می‌تواند تا روزی که تمایل داشته باشد به این جنگ ادامه دهد و وضعیت اقتصادی اروپا را با بحران‌های بی‌سابقه دگرگون سازد. ایجاد بحران اقتصادی جهانی، مساله‌ای است که به دغدغه اصلی شرکت‌کنندگان در اجلاس جی ۲۰ در هندوستان تبدیل و باعث شد ۲۰ کشور پیشرفته، صنعتی دنیا با اقتصادهای بزرگ و روبه پیشرفت، نتوانند درباره محکوم کردن جنگ در اوکراین به اجماع برسند. این مساله نه تنها روی اجلاس معاونان اقتصادی و وزرای اقتصاد و روسای بانک مرکزی گروه ۲۰ تأثیر گذاشت، بلکه سایه آن بر سر اجلاس نهای با حضور وزرای خارجه این کشورها نیز افتاد. دیدار کوتاه ۱۰ دقیقه‌ای لاوروف و بلینکن در راستای روابط بسیار بد ۲ کشور تحلیل شد و چین و روسیه جلوی تصویب بیانیه نهای کمیته‌های این اجلاس درباره نقش منفی جنگ اوکراین بر اقتصاد جهانی را گرفتند. ■ اتحاد با اروپا تنها از طریق ناتو دولت ایالات‌متحده اما در نقطه اوج حرکات ضد روسی خود، در سالگرد جنگ اوکراین، بایدن را به کی‌یف و بعد به ورشو فرستاد تا حامل پیامی برای روس‌ها باشد؛ اینکه آمریکا در کنار اوکراین ایستاده و اجازه نمی‌دهد روسیه پیروز میدان باشد. با اینکه بایدن تلاش داشت این پیام را به روسیه برساند اما در سخنرانی خود پیام دیگری را نیز برای اروپا فرستاد؛ اینکه «آمریکا و ناتو در کنار اوکراین هستند». منظور او از ناتو احتمالاً کشورهای اروپای غربی بوده است که تاکنون نیز بالاترین میزان همراهی با آمریکا را داشته‌اند اما به نظر می‌رسد تلاش او برای تشکر از اروپایی بود که همچنان به واسطه عضویت در ناتو، باید دنباله‌رو آمریکا باشند و چاره‌ای غیر از این نیز ندارند.